

نقش تأمین مالی خرد در توسعه روستایی در افغانستان

علمداد حیدری^۱

چکیده

در دو دهه اخیر تأمین مالی خرد به عنوان راهکار مناسب جهت مقابله با فقر روستایی مطرح گردیده است. بعضی کشورها در این عرصه به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافته‌اند بگونه‌ای که بانک جهانی کشورهای در حال توسعه را در به‌کارگیری این شیوه اعتباری تشویق نموده است. از آنجایی که افغانستان یک کشور توسعه‌نیافته یا در حال توسعه است، تحت تأثیر اقتصاد روستایی قرار دارد و ۷۱ درصد جمعیت این کشور در بخش روستاها زندگی می‌کنند. در این کشور مسئله اصلی این است که تأمین مالی خرد اسلامی چه تأثیری در توسعه روستایی آن دارد؟ به نظر می‌رسد کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه تحت تسلط اقتصاد روستایی و محصولات کشاورزی قرار دارد بگونه‌ای که تأمین مالی خرد و سرمایه مورد نیاز کشاورزان و آموزش مهارت‌های شغلی سبب افزایش بازدهی در بخش کشاورزی گردیده و افزایش بازدهی در بخش کشاورزی تقاضای روز افزون محصولات غذایی برای جمعیت در حال افزایش را تأمین می‌کند و خود کفایی در محصولات غذایی صرفه‌جویی ارزی و افزایش کالاهای سرمایه‌ای را در پی دارد. علاوه بر این افزایش بازدهی در بخش کشاورزی افزایش درآمد روستائیان و افزایش تقاضا برای کالاهای صنعتی و توسعه بخش صنعت را به دنبال دارد. با توسعه بخش کشاورزی و بخش صنعت، بخش خدمات، حمل نقل، مخابرات و غیره نیز توسعه خواهد یافت. از آنجایی که در روستاهای افغانستان سطح تحصیلات، تخصص و مهارت شغلی پایین است تأمین مالی خرد در بخش روستایی و اقتصاد کشاورزی در صورتی می‌تواند راهگشا باشد که با آموزش مهارت‌های شغلی و شیوه‌های نوین کشاورزی و دامداری همراه باشد.

کلیدواژه‌ها: تأمین مالی خرد، توسعه روستایی، اقتصاد افغانستان، تأمین مالی خرد اسلامی، نقش

دانشجوی دکتری علوم اقتصادی^۱

بانک‌های تجاری بیشتر به تأمین مالی پروژه‌های بزرگ و وام‌دهی در سطح کلان و مبالغ زیاد مبادرت می‌ورزد لذا در جوامع توسعه‌نیافته و در حال توسعه با درآمد سرانه‌ای پایین اکثریت مردم که با فقر و مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کنند به نهادهای پولی و مالی دست رسی ندارند. چون وام‌های بانکی در مبالغ کلان اعطا می‌گردد و اعطای مبالغ خرد برای بانک‌ها به صرفه نیست. از طرف دیگر مشکل وثیقه نیز وجود دارد که تهیه آن برای افراد کم‌درآمد و فقیر میسر نیست. تأمین مالی خرد سازوکاری است که برای پاسخ‌گویی به نیازهای مالی افراد کم‌درآمد و فقیر طراحی گردیده است. براین اساس در قالب این سازوکار وام‌هایی در مبالغ کم برای افراد فقیر و کم‌درآمد با سر رسید کوتاه‌مدت و بدون وثیقه اعطا گردیده ضمانت گروهی جایگزین وثیقه فیزیکی می‌گردد.

تأمین مالی خرد با نام محمد یونس، و گرامین بانک گره خورده است که در کشور بنگلادش در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد ولی منشأ پیدایش آن به سال ۱۹۷۶ بازمی‌گردد که به‌عنوان یک پروژه آزمایشی - عمرانی در میان زنان روستای «جبرا» در جنوب شرقی بنگلادش اعتبارات مالی را گسترش داد (مصطفی مهاجرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۶). بعد از تأسیس بانک گرامین در بنگلادش و بانک راکیات در اندونزی (۱۹۷۹) و بانک ملی توسعه در مصر (۱۹۸۰) و بانک ملی توسعه روستایی و کشاورزی در هند (۱۹۸۲) مؤسسات تأمین مالی خرد در بقیه جهان مثل آمریکای لاتین، آفریقا و خاور میانه به فعالیت آغاز کردند (محمد توسلی غرجستانی، ۱۳۹۳، ص ۵۲). در کشور افغانستان نهادی تحت عنوان مؤسسه تأمین مال خرد وجود ندارد. بعضی بانک‌هایی که به امر تأمین مالی خرد و اعطای قرضه‌های کوچک مبادرت می‌ورزند فعالیت شان بسیار محدود است و به چند کلان شهر اختصاص دارد. قرضه‌های مذکور نیز در قالب قراردادهای ربوی اعطا گردیده بیشتر برای نیازهای مصرفی دریافت می‌شود.

از آنجایی که ۷۱ درصد جمعیت افغانستان در روستاها زندگی می‌کنند و درآمد سرانه در این کشور بسیار پایین است بگونه‌ای که تعدادی زیادی زیر خط فقر قراردارند، تأمین مالی خرد در کاهش فقر و افزایش درآمد سرانه و توسعه اقتصادی کشور می‌تواند نقش اساسی داشته باشد.

۱. مبانی نظری تحقیق

۱-۱. تأمین مالی خرد

تأمین مالی خرد را می‌توان به عنوان سازوکار عرضه خدمات مالی گوناگون به گروه‌هایی با درآمد پایین مانند صنعت‌گران، کشاورزان و پیمان‌کاران خرد تعریف کرد. این افراد معمولاً به دلیل این که دارای رتبه اعتباری پایین تری می‌باشند، مورد توجه بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی متعارف قرار نمی‌گیرند. علاوه بر این، به دلیل بالابودن هزینه نظارت و ارزیابی در زمینه ارائه وام‌های خرد، چالش وثیقه، احتمال بالای نکول که برای فقرا وجود دارد، بانک‌ها و مؤسسات مالی معمولاً از ارائه وام‌های خرد به افراد مذکور خودداری می‌کنند (کلیم و احمد ۲۰۰۹ ص ۳). تعاریفی دیگری نیز ارائه گردیده است که بعضی به انگیزه‌ها و اهداف و بعضی به شیوه و سازوکار این نوع تأمین مالی اشاره دارند. بومن به طور مختصر تأمین مالی خرد را کوچک، کوتاه و بدون وثیقه تعریف می‌کند به این معنا که تأمین مالی خرد ارائه وام‌هایی با مبلغ کم، بدون وثیقه به افراد کم‌درآمد است که این افراد در مدت زمان کوتاهی مبلغ یادشده را بازپرداخت می‌کنند (مافی، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

بانک جهانی به اهداف این نوع تأمین مالی توجه دارد و هدف تأمین مالی خرد را کاهش فقر روستائیان، ایجاد اشتغال و پایداری زیست‌محیطی بیان می‌کند. در کل می‌توان گفت تأمین مالی خرد به وام‌های خرد قابل دسترس اشاره دارد که نیازهای و فعالیت‌های خود را با برنامه‌های مدون از طریق این نوع تأمین مالی برطرف می‌کنند. این نوع وام‌ها در سائزهای خرد و کم‌مقدار، برای کارآفرینان خرد و خانواده‌های کم‌درآمد، برای تولید درآمد، توسعه کسب‌وکار و سایر کاربردهای اجتماعی مانند تحصیل و بهداشت و... و تحت شرایط آسان و انعطاف‌پذیر ارائه می‌گردد (قاسمی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۴).

۲-۱. تأمین مالی خرد متعارف

مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف بر مبنای قرارداد قرض و از طریق پرداخت و دریافت بهره فعالیت می‌کند و از حیث جایگاه این نوع مؤسسات مالی بین بازار مالی رسمی (نظیر بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری) و بازار مالی غیررسمی قرار گرفته و لذا برخی ویژگی‌های هریک از این دو بازار را در خود جای داده‌اند. بعنوان

نمونه نهادهای تأمین مالی خرد، نسبت به مؤسسات رسمی، دسترسی بیشتری به خدمات مالی برای گروه‌های پایین درآمدی ایجاد می‌کنند و از این جهت شبیه وام‌دهندگان غیررسمی هستند، اما از طرف دیگر هزینه کمتری نسبت به بازار غیررسمی داشته و بنابراین، نرخ بهره کمتری طلب می‌نمایند، درواقع گرچه این نرخ بیشتر از نرخ بازار مالی رسمی است، ولی بسیار کمتر از بازار مالی غیررسمی می‌باشد، ضمن این‌که در زمینه اخذ وثیقه نیز سازوکار مخصوص به خود دارند و برخلاف مؤسسات رسمی و بازار غیررسمی که از وام‌گیرندگان وثیقه دریافت می‌کنند، از سازوکار ضمانت گروهی، جهت تضمین بازپرداخت وام‌ها استفاده می‌کنند. در این نوع تأمین مالی تضمین گروهی جایگزین وثیقه می‌گردد زیرا تأمین وثیقه معمولاً برای فقرا مقدور نیست و به همین دلیل از دسترسی به منابع اعتباری رسمی محروم می‌شوند (طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۰).

۳-۱. ویژگی‌های تأمین مالی خرد متعارف

باتوجه به مطالبی که بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که تأمین مالی خرد دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد است که آن را از شیوه‌های دیگر تأمین مالی متمایز می‌کند.

۱) وام‌دهی گروهی: یکی از ارکان اصلی تأمین مالی خرد که از دلایل موفقیت آن برشمرده می‌شود وام‌دهی گروهی است منظور از وام‌دهی گروهی آن است که در ساختار تأمین مالی خرد، افراد به انتخاب خود به گروه‌های مختلف دسته‌بندی شده وام‌دهی به این گروه‌ها انجام می‌شود. وام‌دهی به هریک از اعضای گروه مشروط به بازپرداخت وام دریافت‌شده توسط سایر اعضا گردیده و از این طریق چالش وثیقه که یکی از معضلات اصلی فقرا در زمینه تأمین مالی است برطرف می‌گردد (طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۵). به عبارت دیگر در سازوکار تأمین مالی خرد ضمانت گروهی جایگزین وثیقه فیزیکی گردیده و اعضای گروه به صورت دوطرفه ضمانت پرداخت وام یکدیگر را به عهده می‌گیرند؛ یعنی اعضای گروه به صورت زنجیره‌ای ضمانت پرداخت وام یکدیگر را به عهده می‌گیرند و اگر یکی از اعضای گروه از بازپرداخت وام خودداری کند تمام اعضا مسئول هستند و ضمانت وام آن‌ها معلق می‌گردد (ابراهیمی و باغستانی، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

۲) فشار درونی: منظور از فشار درونی آن است که در ساختار تأمین مالی خرد، ضوابط به نحوی تنظیم می‌گردد که اعضای گروه خود به خود یکدیگر را به انجام بازپرداخت ترغیب کرده و در این زمینه به نیروی خارجی و بیرونی نیازی نیست. وجود ویژگی مذکور باعث می‌شود که تسهیلات تخصیص یافته به هدف موردنظر

اصابت کند، علاوه بر این مسئولیت مشترکی که در اثر این دو ویژگی ایجاد می گردد، باعث کاهش ریسک می شود، زیرا اولاً سبب خواهد شد که گروه اعضای بد حساب را در میان خود نپذیرند و این هزینه انتخاب ناصحیح در اعطای تسهیلات را کاهش می دهد. ثانياً، این شیوه انگیزه‌ای در میان اعضا ایجاد می کند تا مراقب باشند که عضو تسهیلات گیرنده، وام را به مصارف تعیین شده برساند تا بتواند آن را بازپرداخت کند. ثالثاً باعث می شود تا اعضای گروه، افرادی که وام خود را نپرداخته‌اند را تحت فشار قرار داده و حتی پرداخت بدهی آن‌ها را برعهده گیرند که این موضوع نیز سبب حذف هزینه عدم بازپرداخت تسهیلات می گردد (طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۵). از دیگر ویژگی‌های که می توان برای این وام‌ها ذکر کرد کوتاه مدت بودن آنها است مدت وام‌های که در قالب تأمین مالی خرد پرداخت می شود کمتر از ۱۲ ماه با بازپرداخت هفتگی یا ماهانه است (ابراهیمی و باغستانی، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

۴-۱. تجارب تأمین مالی خرد

برخی سابقه تأمین مالی خرد را به وام‌های کوچک که در ایرلند به فقرای روستایی پرداخت می گردید بازمی گردانند (طالبی و زارع، ۱۳۹۰، ص ۹۸). اما امروزه تأمین مالی خرد به نوعی با نام محمد یونس و گرامین بانک گره خورده است، زیرا پیشینه تأمین مالی خرد برمی گردد به به ابتکار او که برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ با تأسیس گرامین بانک وام‌های کوچک را برای کسانی که از دسترسی به منابع مالی رسمی کشور دور مانده بود فراهم کرد (مافی، ۱۳۸۸، ص، ۱۳۷-۱۴۰). سازوکار گرامین بانک به این صورت است که وام برای فقرای که زمین‌های کشاورزی آن‌ها کمتر از نیم جریب و یا ارزش مجموع دارایی‌های آن‌ها کمتر از ارزش یک جریب زمین با کیفیت باشد پرداخت می گردد. وام به گروه‌های پنج نفره‌ای که از لحاظ زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مشابه هستند بدون وثیقه پرداخت می گردد. وام‌ها پس از تأیید گروه و تصویب نهایی بانک به اعضا پرداخت می شود. پرداخت وام به صورت مرحله‌ای است بدین ترتیب که چهار نفر از اعضای گروه به صورت گروه‌های دو نفری وام خود را در ماه معینی دریافت می کنند و به نفر پنجم که معمولاً رئیس گروه است در ماه بعد پرداخت می شود. هر شش تا هشت گروه هفته‌ای یکبار با حضور نماینده بانک با یکدیگر ملاقات می نمایند و در مورد بازپرداخت‌ها و دیگر مشکلات گروه با هم دیگر گفتگو می کنند (محمد یونس، بی تا، ص، ۲۶).

۲. تأمین مالی خرد اسلامی

تأمین مالی خرد متعارف همانطور که نقاط قوت فراوانی دارد نقاط ضعف نیز دارد. یکی از چالش‌های عمده‌ای تأمین مالی خرد متعارف ربوی بودن آن است؛ باتوجه به این که در تأمین مالی خرد متعارف تجهیز و تخصیص منابع با استفاده از قرار داد قرض صورت می‌گیرد و مبتنی بر بهره است لذا کارایی و تطبیق این نوع تأمین مالی در کشورهای که اکثریت جمعیت آن‌ها را مسلمانان تشکیل می‌دهند با مشکل مواجه گردیده است. مشکلات دیگری تأمین مالی خرد متعارف نیز نرخ بهره بسیار بالا، عدم توجه به نوع فعالیت (تولیدی یا مصرفی) عدم توجه به پایین‌ترین گروه‌های درآمدی؛ به عنوان مثال در تأمین مالی خرد متعارف به فقیرترین فقرا که از عهده پرداخت اصل و سود وام بر نمی‌آیند وام پرداخت نمی‌گردد زیرا وام دادن به چنین افرادی باعث می‌شود که هرچه بیشتر مدیون گردیده در آینده وضع‌شان بدتر شود (اعجاز احمدخان، ۱۳۹۲).

مشکلات فوق باعث گردیده که متفکرین اسلامی به طراحی تأمین مالی خرد اسلامی بپردازند. عمده‌ترین ویژگی تأمین مالی خرد متعارف ربوی بودن آن است و این ویژگی باعث گردیده که آن مغایر با موازین و اصول اسلامی محسوب گردیده، تطبیق آن در کشورهای که اکثریت جمعیت‌شان را مسلمانان تشکیل می‌دهند موفقیت چندانی نداشته باشد. بنابراین، در تأمین مالی خرد اسلامی در تجهیز و تخصیص منابع از ابزارها و عقود که در نظام مالی اسلامی معرفی گردیده است استفاده می‌شود. برای اساس در تأمین مالی خرد اسلامی بهره وجود ندارد و در عقود مشارکتی و مبادله‌ای نرخ سود جایگزین بهره می‌شود. باتوجه به ویژگی‌های فوق تأمین مالی خرد اسلامی را می‌توان چنین تعریف کرد: «عرضه وام نقدی و یا غیرنقدی به کارفرمایان فقیر براساس عقود اسلامی و در جهت اهداف اقتصاد اسلامی به منظور راه‌اندازی و یا حفظ فعالیت تجاری (میسمی و همکاران، ۱۳۹۱).

شیوه‌های تجهیز منابع در تأمین مالی خرد اسلامی

همانگونه که قبلاً متذکر شدیم، تأمین مالی خرد متعارف، در بخش تجهیز منابع، منابع مالی خود را یا با پذیرش سپرده براساس قرارداد قرض و پرداخت بهره تأمین می‌کند و یا از منابع بیرونی (مثلاً کمک‌های دولتی یا بین‌المللی) استفاده می‌کند (Habib, 2002).

در مقابل، مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی علاوه بر این که می تواند از عقود اسلامی (که می توان در سه دسته کلی دسته بندی کرد عقود مشارکتی، عقود مبادله ای و عقد قرض الحسنه) در جذب سپرده استفاده کند، می تواند از نهادهای اقتصادی اسلام نظیر وقف، خمس، زکات، انفال، و فیه و... نیز برای تأمین منابع مالی خویش بهره ببرند. بنابراین برخی منابع تجهیز درآمد برای مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی، منابع رایگان است که در قبال آن، تعهدی ندارند (مانند صدقات) اما برخی منابع انتفاعی است که باید به آن ها سود بپردازند (مانند سپرده ها). بنابراین باتوجه به نهادهای که در نظام اقتصادی اسلام وجود دارد تأمین مالی خرد اسلامی از لحاظ توجه به پاینترین گروه های درآمدی در موقعیت بهتری قرار می گیرد یعنی می تواند در برخی موارد که وام گیرنده توان پرداخت اصل و سود وام را نداشته باشد به صورت رایگان تأمین مالی کند (میسمی و همکاران، ۱۳۹۱).

۱-۲. شیوه های تخصیص منابع در تأمین مالی خرد اسلامی

تأمین مالی خرد متعارف در بخش تأخیص منابع نیز مبتنی بر بهره است. اما باتوجه به حرمت ربا در اسلام مؤسسه تأمین مالی خرد اسلامی در بخش تخصیص منابع نیز از عقود و ابزارهای که در نظام مالی اسلام معرفی گردیده است استفاده می کند. عقود و ابزارهای که در نظام مالی اسلام معرفی گردیده و در بانکداری اسلامی به منظور ارائه تسهیلات مورد استفاده قرار می گیرد می توان به چهار گروه کلی دسته بندی کرد (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶-۱۷۵).

عقود مشارکتی: در این عقود مؤسسه مالی تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز به منظور انجام فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری و یا خدماتی) را تأمین مالی نموده و در نهایت براساس قراردادی که با کارفرما منعقد کرده است، سود فعالیت تقسیم می گردد. این عقود در نظام بانکداری بدون ربا عبارتند از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه و مساقات.

عقود مبادله ای با بازدهی ثابت: در این دسته عقود مؤسسه تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز به منظور انجام فعالیت اقتصادی و یا برطرف نمودن نیاز یک خانوار را تأمین می کند، با این تفاوت که بعد از انعقاد قرارداد و قبل از انجام فعالیت اقتصادی سود مؤسسه معلوم و معین است. بنابراین تحولات آتی اقتصاد و یا تغییرات ایجاد شده در طرح اقتصادی مورد نظر، ارتباطی به سود و مطالبات مؤسسه پیدا نمی کند. این عقود عبارتند از فروش مرابحی، فروش اقساطی، استصناع، خرید دین و اجاره به شرط تملیک.

عقود مبادله‌ای با بازدهی متغیر: در این عقود نیز مؤسسه بخشی از سرمایه مالی مورد نیاز برای انجام یک فعالیت اقتصادی و یا پول مورد نیاز یک خانوار را تأمین می‌کند. به مقتضای ماهیت این عقود، سود مؤسسه متغیر بوده و بستگی به تحولات اقتصادی و یا قیمت‌های نسبی در بازار واقعی دارد، حتی احتمال آن می‌رود که سودی برای مؤسسه رخ نداده، بلکه متحمل ضرر گردد. این عقود شامل دو مورد یعنی معاملات سلف و جعاله می‌گردد. قرض الحسنه: در این عقد مؤسسه مالی منابعی که در اختیار دارد را بر اساس عقد قرض الحسنه در اختیار بنگاه تولیدی و خانوار نیازمند قرار داده و تنها به گرفتن کارمزد بانکی اکتفا می‌کند (میسمی و عبدالمهی، ۱۳۲).

۲-۲. شیوه‌های تأمین مالی با استفاده از عقود و ابزارهای اسلامی

۲-۲-۱. انواع مختلف تأمین مالی مشارکتی

در بانک‌ها و مؤسسات تأمین مالی اسلامی تأمین مالی مشارکتی به شیوه‌های گوناگونی صورت می‌پذیرد.

مشارکت مدنی: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی بخشی از سرمایه لازم برای انجام یک فعالیت اقتصادی را فراهم می‌کند و با در آمیختن آن با سرمایه متقاضی تأمین مالی، در سود و زیان آن فعالیت اقتصادی سهیم می‌گردد.

مشارکت حقوقی: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی با خریدن بخشی از سهام یک شرکت جدید یا قدیمی در تأمین مالی شرکت مذکور مشارکت ورزیده و مالک بخشی از سهام آن شرکت می‌گردد.

مضاربه: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی سرمایه مورد نیاز برای فعالیت‌های تجاری را در اختیار متقاضی (عامل مضاربه) قرار داده و بعد از به‌کارگیری وجوه مذکور در فعالیت‌های تجاری سودآور مؤسسه تأمین مالی و مشتری در سود و زیان حاصل از فعالیت مذکور به نسبت توافقی سهیم می‌گردند.

مزارعه: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی سرمایه لازم برای انجام فعالیت کشاورزی را تأمین نموده و با کشاورز متقاضی تأمین مالی در فعالیت مورد نظر شریک می‌شود.

مسااقات: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی سرمایه لازم برای انجام فعالیت باغداری را در اختیار باغدار قراردادده و با او در سود و زیان حاصل از عملیات باغداری سهیم می‌گردد (توکلی، ۱۳۹۲، ص ۳۰۴-۳۰۵).

تأمین مالی مبادله‌ای با بازدهی ثابت

فروش مرابحی: بر مبنای این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی اسلامی طبق درخواست مشتری کالای را خریداری نموده و با افزودن مبلغی به او به فروش می‌رساند.

فروش اقساطی: بر مبنای این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی اسلامی کالای درخواستی مشتری را خریداری نموده و به صورت مدت‌دار با قیمتی بیشتر به او به فروش می‌رساند.

اجاره به شرط تملیک: بر مبنای این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی خانه درخواستی مشتری را خریداری نموده به مشتری اجاره می‌دهد و مشتری مورد نظر بعد از پرداخت مبالغ تعیین شده‌ای اجاره، مالک خانه مذکور می‌گردد.

استصناع: بر مبنای این قرارداد مشتری به بانک یا مؤسسه تأمین مالی سفارش ساخت کالایی را می‌دهد و بانک یا مؤسسه تأمین مالی با استفاده از پیمان‌کاران خود کالای مورد نظر را می‌سازد و به قیمت مشخص شده به صورت نقد یا اقساط در اختیار مشتری قرار می‌دهد.

خرید دین: بانک یا مؤسسه تأمین مالی طلب مشتری از دیگران را به قیمت کمتر خریداری می‌کند.

تأمین مالی مبادله‌ای با بازدهی متغیر

سلف: طبق این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی کالای تولیدی یک کارخانه را پیش خرید نموده و بخشی از قیمت سلف آن یا تمام آن را که معمولاً کمتر از قیمت تحویل فوری است، به فروشنده می‌پردازد. در هنگام سر رسید، بانک کالای خریداری شده را تحویل گرفته در بازار به فروش می‌رساند.

جعاله: بر مبنای این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی طبق درخواست مشتری برای انجام کاری - مانند آجرنما کردن دیوار منزل - پیمانکاری را در خدمت می‌گیرد. پس از اتمام کار مورد نظر بانک یا مؤسسه تأمین مالی مبلغ معین شده در قرارداد (جعل) را به صورت نقدی یا قسطی از مشتری دریافت می‌کند (همان ص ۲۳۶-۲۳۷).

در یک تقسیم‌بندی دیگر عقود و ابزارهای تأمین مالی اسلامی به عقود و ابزارهای انتفاعی و غیرانتفاعی تقسیم‌بندی می‌گردد. عقود و قراردادهای انتفاعی به قراردادهای اطلاق می‌گردد که تأمین مالی در قالب عقود مذکور با انگیزه کسب سود و تحصیل درآمد صورت می‌پذیرد. اما یکی از امتیازات تأمین مالی اسلامی وجود عقود و ابزارهای غیرانتفاعی در نظام مالی اسلام است. عقود و ابزارهای غیرانتفاعی قراردادهایی‌اند که تأمین مالی در قالب عقود مذکور نه به انگیزه کسب سود و تحصیل درآمد بلکه به صورت تبرعی و خیرخواهانه صورت می‌پذیرد. این قراردادها نیز به دو دسته معوضه و غیرمعوضه تقسیم می‌شود. در قالب عقود معوضه مثل قرض الحسنه بانک یا مؤسسه تأمین مالی می‌تواند وجوه مورد نیاز متقاضی را تأمین کند به صورتی که متقاضی در پایان مدت قرارداد فقط ملزم به بازپرداخت اصل بدهی باشد و سود یا مبلغ زیادی درخواست نگردد. اما در قراردادهای غیرمعوضه نوع تبرع محض صورت می‌گیرد مثل وقف و هبه. در وقف واقف اصل اموال خود را برای استفاده در یکی از امور خیریه وقف می‌کند. در هبه نیز مالک یک دارای اموال خود را بدون دریافت عوض به دیگری تملیک می‌کند (همان، ص ۱۸۰-۱۸۱).

نقش تأمین مالی خرد در توسعه روستایی

اقتصاد افغانستان

افغانستان با نام رسمی جمهوری اسلامی افغانستان کشور محصور در خشکی در آسیای جنوبی قرار دارد. همسایگان افغانستان، ایران در غرب، پاکستان در جنوب و شرق، تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان در شمال و چین در شمال شرقی قرار دارد. افغانستان دارای ۶۵۲۲۳۰ کیلومتر مربع مساحت، و چهل و یکمین کشور وسیع دنیا است. در نشریات و اسناد ملل متحد مساحت این کشور ۶۴۷۴۹۷ کیلومتر مربع و قرار گزارش ۱۹۷۵، ۶۷۵۵۰۰ کیلومترمربع آمده است. در کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر ۶۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع (فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۴) و در کتاب افغانستان در مسیر تاریخ ۸۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع آمده است (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۵).

جمعیت

سرشماری جمعیت افغانستان از سال ۱۳۵۸ تا کنون دیگر صورت نگرفته است. آمارهای که از جمعیت افغانستان در دسترس قرار دارد بیشتر بر مبنای تخمین است. جمعیت افغانستان در سال ۱۳۹۹ حدود ۳۲,۹ میلیون

نفر بر آورد شده است که حدود ۱۶,۸ میلیون نفر (۵۱,۰ درصد) آن را مردان و حدود ۱۶,۱ میلیون نفر (۴۹,۰ درصد) آن را زنان تشکیل می‌دهد. از ۳۲,۹ میلیون نفر حدود ۲۳,۴ میلیون نفر (۷۱,۰ درصد) آن را جمعیت روستایی و ۸ میلیون نفر (۲۴,۴ درصد) آن را جمعیت شهری تشکیل می‌دهد.^۲

تولید ناخالص داخلی

ارزش تولید ناخالص داخلی به‌شمول کوکنار در سال ۱۳۹۷ بالغ به ۱۴۷۸۷۰۷ میلیون افغانی معادل ۲۰,۵ میلیارد دلار آمریکایی گردیده و تولید ناخالص داخلی سرانه به ۴۶۷۹۵ افغانی که معادل ۶۴۷ دلار آمریکایی می‌شود، رسیده است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی بدون کوکنار به اندازه ۲,۷ درصد بوده است. شاخص قیمت مواد مصرفی در سال ۱۳۹۷ حدود ۰,۶ درصد تورم را نشان می‌دهد.

واردات و صادرات

مجموع واردات در سال ۱۳۹۷ به ارزش ۷۴۰۶,۶ میلیون دلار و صادرات کشور ۸۷۵,۲ میلیون دلار بوده است. در سال ۱۳۹۶ واردات کشور، ۷۴۳۸,۹ میلیون دلار و صادرات ۷۷۴,۵ میلیون دلار بوده است. این ارقام نشان می‌دهد که واردات کشور در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال گذشته ۳۲,۳ میلیون دلار و یا ۰,۴ درصد کاهش یافته درحالی‌که صادرات به اندازه ۱۰۰,۷ میلیون دلار و یا ۱۳ درصد افزایش یافته است.^۳

درآمد سرانه

درآمد سرانه افغانستان در سال ۲۰۱۰ حدود ۸۰۰ دلار بوده و در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به ۱۰۰۰ دلار افزایش یافته اما در سال ۲۰۱۹ از ۷۱۹ به ۶۴۷ دلار کاهش یافته که این به دلیل کاهش یک میلیارد دلاری درآمد ناخالص داخلی نسبت به سال‌های قبل از ۲۱ میلیارد به ۲۰ میلیارد بوده است (توسلی غرجستانی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۹).

از آنجایی که ۷۱ درصد جمعیت افغانستان در روستاها زندگی می‌کنند می‌توان گفت بخش کشاورزی اهمیت زیادی در اقتصاد افغانستان دارد. اقتصاد کشورهای توسعه‌نیافته بیشتر تحت تسلط بخش کشاورزی و تولید محصولات غذایی در بخش روستایی قراردارند. بخش بزرگی از محصولات غذایی در بخش کشاورزی در

بر آورد نفوس کشور ۱۳۹۹، اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان^۲
سالنامه احصائیوی ۱۳۹۷، اداره ملی احصائیه و معلومات^۳

روستاها تولید می‌شود و زمانی که تولید بخش کشاورزی افزایش پیدا کند درآمد کشاورزان افزایش پیدا می‌کند. افزایش درآمد سرانه تقاضا برای محصولات کشاورزی را افزایش می‌دهد.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که بخش درآمدی تقاضا برای محصولات کشاورزی در این کشورها بسیار زیاد بین ۶۰ تا ۸۰ درصد است. همچنین افزایش در نرخ رشد جمعیت تقاضا برای محصولات کشاورزی را هرچه سریعتر افزایش می‌دهد. براین اساس افزایش در تولید کشاورزی باید به نحوی باشد که بتواند با افزایش تقاضا مقابله کند. اگر افزایش در تولید محصولات کشاورزی کمتر از نرخ رشد تقاضا باشد قیمت محصولات کشاورزی افزایش یافته دولت مجبور است مقداری منابع ارزی را به واردات محصولات کشاورزی اختصاص دهد که این امر به معنای هدر رفتن مقدار منابع ارزی است، منابعی که می‌توانست صرف تأمین کالاهای سرمایه‌ای شود. از طرف دیگر محصولات کشاورزی تنها شامل محصولات غذایی نمی‌شود، بلکه بخشی از محصولات تولید شده در بخش کشاورزی مانند پنبه، چای، نیشکر، چغندر قند و غیره در بخش صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پس بخش کشاورزی هم مواد غذایی مورد نیاز کشور را تأمین می‌کند و هم مواد اولیه صنعتی لازم برای بخش صنعت را فراهم می‌کند. مهم‌تر این که افزایش قدرت خرید روستائیان از طریق افزایش بازدهی در بخش کشاورزی تقاضا برای محصولات صنعتی ساخته شده در بخش صنعت را افزایش می‌دهد و سبب توسعه بخش صنعت می‌گردد. بین بخش صنعت و بخش کشاورزی ارتباط‌های پیشین و پسین وجود دارد یعنی توسعه هر کدام از این بخش‌ها در گرو توسعه بخش دیگر است ولی به صورت طبیعی توسعه باید از بخش کشاورزی شروع شود و سپس به بخش صنعت کشیده شود و در انتها بخش خدمات توسعه یابد (قره‌باغیان، ۱۳۹۳، ص ۵۵۳-۵۵۵).

اما در افغانستان بعد از پیاده‌سازی سیستم اقتصاد بازار بخش خدمات مثل مخابرات، رسانه‌ها و مطبوعات، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، دانشگاه‌های خصوصی، حمل و نقل و شرکت‌های هوایی گسترش قابل توجهی یافت ولی بخش کشاورزی در اثر جنگ و ناامنی و عدم حاکمیت دولت مرکزی نه تنها گسترش نیافت بلکه آسیب جدی دید و درصد زیادی از زمین‌های مرغوب و حاصل‌خیز به کشت کوکنار اختصاص پیدا کرد. در مناطقی که امنیت نسبی وجود داشت هم به دلیل تبعیض و بی‌عدالتی و عدم تخصیص بودجه به توسعه بخش کشاورزی، زیرساخت‌ها و راه‌های مواصلاتی بخش کشاورزی به شکل سنتی باقی ماند. بخش صنعت نیز آسیب

فراوانی دید زیرا شیوه‌های تولید سنتی رایج در کشور توانای رقابت با کالاهای وارداتی خارجی را نداشت لذا بخش صنعت در طول چند سال نه تنها گسترش نیافت بلکه کوچک و کوچکتر گردید.

در دو دهه اخیر در بسیاری از کشورها تأمین مالی خرد راهکاری مناسب جهت مقابله با فقر روستائیان مطرح شده است و برخی از کشورها در این زمینه به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافته‌اند. اهمیت این دستاورد به گونه‌ای بوده که بانک جهانی سال ۲۰۰۵ را سال «اعتبارات خرد» نام‌گذاری و کشورهای درحال توسعه را در به‌کارگیری این شیوه اعتباری تشویق کرده است (نجفی، و یعقوبی، ۱۳۸۴).

پرواضح است که تأمین مالی خرد در تأمین نیازهای اعتباری کشاورزان و هم‌چنین گذار از کشاورزی سنتی و افزایش نرخ بازدهی در بخش کشاورزی نقش اساسی دارد که این امر می‌تواند در توسعه بخش صنعت و توسعه اقتصاد کشور نقش اساسی داشته باشد. باید متذکر شد که در افغانستان بانکداری نقش پررنگی ندارد زیرا تعدادی کمی از مردم این کشور که به ۱۰ درصد هم نمی‌رسد حساب بانکی دارند. آنها نیز کارمندان دولت یا شرکت‌های خصوصی و یا بازرگانان است دلیل این امر نیز ناامنی و عدم اعتماد مردم به بانک‌ها است زیرا بانک‌های افغانستان بیشتر بشکل ربوی فعالیت می‌کنند. (توسلی غرجستانی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۹).

مؤسسه تأمین مالی خرد در افغانستان وجود ندارد ولی در بعضی شهرهای بزرگ بعضی بانک‌ها وام‌های خرد در قالب قراردادهای ربوی اعطا می‌کنند. این وام‌ها بیشتر از سوی قشر کم‌درآمد جامعه که اغلب در شهرها زندگی می‌کنند بیشتر برای نیازهای مصرفی دریافت می‌گردد. درکنار بانک‌ها و نهادهای رسمی تأمین پول و اعتبار، بخش غیررسمی نیز به‌شکل پررنگ فعالیت می‌کند که در اکثر مناطق بخش غیررسمی حضور پررنگ‌تر دارد. البته باید متذکر شد که بانک‌ها و نهادهای رسمی تأمین پول و اعتبار بیشتر در شهرها فعالیت می‌کنند و در روستاها حضور ندارند.

بنابراین، مؤسسه تأمین مالی خرد اسلامی که در قالب عقود و قراردادهای اسلامی تأمین مالی می‌کند می‌تواند از سوی مردم مورد استقبال قرار بگیرد و در کشور افغانستان که اکثریت جمعیت آن زیر خط فقر قرار دارد نقش بسیار اساسی و راهگشا داشته باشد؛ زیرا می‌تواند در رفع فقر و گرسنگی، ایجاد اشتغال و بهبود سطح زندگی مردم کمک کند. از آنجایی که اکثریت جمعیت افغانستان در روستاها زندگی می‌کنند ایجاد چنین مؤسسه‌ای

می‌تواند از طریق تأمین اعتبار مورد نیاز کشاورزان باعث افزایش بازدهی بخش کشاورزی و افزایش درآمد کشاورزان از یک طرف و از طرف دیگر در صورت خودکفایی در محصولات کشاورزی می‌تواند صرفه‌جویی ارزی را در پی داشته باشد.

با افزایش درآمد، درصد زیادی مردم که در روستاها زندگی می‌کنند تقاضا برای کالاهای صنعتی افزایش پیدا می‌کند و زمینه توسعه بخش صنعت فراهم می‌شود. همچنین در صورتی جایگزینی شیوه‌های سنتی با شیوه‌های مدرن و افزایش بازدهی در بخش کشاورزی تعدادی زیادی نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت منتقل می‌گردد. هم‌چنین با افزایش محصولات کشاورزی برای عده‌ای زیاد در بخش کالاهای واسطه‌ای و حمل نقل اشتغال ایجاد می‌شود (قره‌باغیان، ۱۳۹۳، ص ۵۵۵).

با توجه به این‌که روستاهای افغانستان از زمینهای مرغوب و منابع آبی فراوان برخوردارند که از منابع آبی فوق‌الذکر بجز کشاورزی برای مقاصد دیگر مثل ایجاد سد تولید برق یا پرورش ماهی می‌توان استفاده کرد. چنانچه در برخی مناطق روستایی سرآشویی زیاد و جریان آب تند است که برای تولید برق مناسب می‌باشد. علاوه بر آن بدلیل این‌که منطقه سردسیر است برای ایجاد سد و پرورش ماهی خوب است. با توجه به این‌که در مناطق روستایی کشاورزی و دامداری بشکل بسیار محدود و سنتی صورت می‌گیرد می‌توان با آموزش شیوه‌های مدرن دامداری و کشاورزی تغییرات اساسی در بازدهی بخش کشاورزی و درآمد سرانه روستائیان ایجاد کرد. به اعتقاد بنده افزایش بازدهی در بخش کشاورزی و درآمد سرانه روستائیان از طریق ایجاد مؤسسه تأمین مالی خرد و تأمین نیازهای اعتباری سرمایه‌ای کشاورزان و همچنین آموزش مهارت‌های شغلی و شیوه‌های نوین کشاورزی و دام‌داری امکان‌پذیر است. پیشنهاد بنده این است که یک نهادی وجود داشته باشد که مهارت‌های شغلی و شیوه‌های نوین کشاورزی و دام‌داری را به روستائیان آموزش بدهد. از طرف دیگر نهاد مالی یا مؤسسه تأمین مالی خرد نیز شکل بگیرد تا طرح‌های اقتصادی که توسط روستائیان ارائه می‌گردد در قالب عقود و ابزارهای اسلامی تأمین مالی کند.

نتیجه‌گیری

سازوکار تأمین مالی خرد جهت پاسخ‌گویی به نیازهای مالی افراد فقیر و کم‌درآمد که به مؤسسات مالی و اعتباری دسترسی ندارند طراحی شده است. در قالب این سازوکار وام‌های کوچک با سررسید کوتاه‌مدت بدون وثیقه به افراد کم‌درآمد و فقیر اعطا می‌گردد. در سازوکار فوق ضمانت گروهی جایگزین وثیقه فیزیکی گردیده است. در تأمین مالی خرد متعارف در بخش تجهیز و تخصیص منابع از عقود ربوی استفاده می‌شود؛ اما در تأمین مالی خرد اسلامی در بخش تجهیز منابع می‌توان از سازوکار سپرده‌پذیری در قالب عقود اسلامی یا از نهادهای مالی اسلام مثل خمس، زکات اوقاف و غیره استفاده کرد. همچنین در بخش تخصیص منابع می‌توان از عقود و ابزارهای اسلامی استفاده کرد. از آنجایی که در کشور افغانستان ۷۱ درصد جمعیت در روستاها زندگی می‌کنند و درآمد سرانه بسیار پایین است بگونه‌ای که تعدادی زیادی افراد جامعه زیر خط فقر قرار دارند تأمین مالی خرد در این کشور در کاهش فقر، افزایش درآمد سرانه و بهبود سطح زندگی می‌تواند نقش موثر و سازنده داشته باشد.

اقتصاد کشورهای مثل افغانستان تحت تسلط اقتصاد روستایی و محصولات غذایی قرار دارد؛ زیرا در این کشورها اکثریت جمعیت در روستاها زندگی می‌کنند و به‌علت شیوه سنتی کشاورزی، بازدهی کشاورزی پایین و درآمد سرانه روستائیان اندک است. از طرف دیگر افزایش روز افزون جمعیت تقاضا برای محصولات غذایی را افزایش می‌دهد، به‌علت بازدهی پایین کشاورزی دولت‌ها برای جلوگیری از افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها مجبورند

مقداری زیادی منابع ارزی را صرف واردات کالاهای مصرفی کنند. منابعی که می‌توانست صرف واردات کالاهای سرمایه‌ای شود و به تمرکز سرمایه و توسعه اقتصاد کشور کمک کند.

تأمین مالی نیازهای سرمایه‌ای کشاورزان و ارتقای مهارت‌های شغلی آنان از طریق آموزش مهارت‌های شغلی و شیوه‌های نوین کشاورزی و دامداری می‌تواند بازدهی کشاورزی را افزایش دهد. افزایش بازدهی کشاورزی از یک طرف به خودکفایی در بخش محصولات غذایی انجامیده و از خروج ارز جلوگیری می‌کند از طرف دیگر سبب افزایش درآمد سرانه کشاورزان گردید و تقاضا برای محصولات صنعتی را افزایش می‌دهد که به توسعه بخش صنعت می‌انجامد. البته به اعتقاد نویسنده تأمین مالی خرد در بخش کشاورزی در صورتی می‌تواند راه‌گشا باشد که با آموزش مهارت‌های و شیوه‌های نوین کشاورزی و دامداری همراه باشد.

منابع

ابراهیمی سجاد، باغستانی مسعود، مقایسه بانک تجاری و نهاد قرض الحسنه در حوزه تأمین مالی خرد، مجله اقتصادی، شماره ۱۱، بهمن ۱۳۹۰.

احمد، اعجازخان، عبیدالله محمد خان، طریق الله، تأمین مالی خرد اسلامی، ترجمه، سید محمدرضا نورانی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۲.

ترکمنی، عبدالروف، تطور مردم هزاره افغانستان، سایت: turkmani aiaye

توکلی، محمدجواد، سازوکار بانکداری اسلامی، ۱۳۹۲.

دولت‌آبادی، بصیراحمد، شناسنامه افغانستان، قم، چاپخانه شهید، ۱۳۷۱.

طالبی، محمد، زارع، ساسان، ارائه الگوی بومی برای تأمین مالی خرد در ایران با مطالعه تطبیقی گرامین بانک بنگلادش و طرح‌های تأمین مالی خرد روستایی اجراشده، مطالعات کمی در مدیریت، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰.

طغیانی، مهدی، تأمین مالی خرد در ایران و راه‌های توسعه آن با رویکردی اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵.

عبداللهی، محسن، میسمی، حسین، تأمین مالی خرد اسلامی و نقش آن در تقویت عدالت و رضایت اجتماعی در نظام بانکی کشور، تازه‌های اقتصاد، سال نهم، شماره ۱۳۲.

غرجستانی، محمد، توسلی، الگوی بانکداری اسلامی برای افغانستان برمبنای فقه جعفری و حنفی، ۱۳۹۳.

فرهنگ، میرمحمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، قم مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۱، ۱۳۷۱.

قاسمی، عبدالرسول و همکاران، ارزیابی تحلیلی و تجربی تأثیر تأمین مالی خرد بر درآمد مصرف خانوار، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۶، پاییز ۱۳۹۰.

قره‌باغیان، مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه، ج ۲، ۱۳۹۳.

مافی، فرزانه، توانمندسازی اقتصاد زنان روستایی از طریق اعتبارات خرد، پژوهشنامه شماره ۴۲، پاییز ۱۳۸۸.

محمد یونس، جهان بدون فقر، ترجمه هنگامه احمدی و دیگران، بی‌جا، پرتو، بی‌تا.

موسویان، سید عباس، بانکداری اسلامی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۳.

مهاجرانی، مصطفی، بررسی وضع اعتبارات خرد در ایران و برخی از کشورهای موفق در این زمینه، مؤسسه همیاران غذا، نسخه الکترونیکی، ۱۳۸۲.

میثمی، حسین، حسن‌زاده‌علی، شهیدی نصب مصطفی، رویکرد مرحله‌ای برای استفاده از عقود مشارکتی در تأمین مالی خرد اسلامی، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره پیاپی ۱۲.

نجفی، بهاء‌الدین، یعقوبی، وحید، تأمین مالی خرد: راهکاری نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۸۴.

یزدانی، حسین‌علی، پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، ۱۳۹۰.

Realizing The Social Role of Islamic Finance. Paper presented in the International Seminar on *Integrating Awqaf in the Islamic Financial Sector* ,Singapore.

Kaleem A. & Ahmed S. (۲۰۰۹). The Quran and Poverty Alleviation: A Theoretical Model for Charity-Based Islamic Microfinance Institutions. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly* ۳۸-۳۹.

www.worldbank.org

Habib, A. (2002), "Financing microenterprises: An analytical study of Islamic microfinance institutions", *Islamic Economic Studies*, Vol. 9, No. 2, Pp. 27-62